

زیبایی‌شناسی پایداری

نسبت زیبایی با پایداری محیط

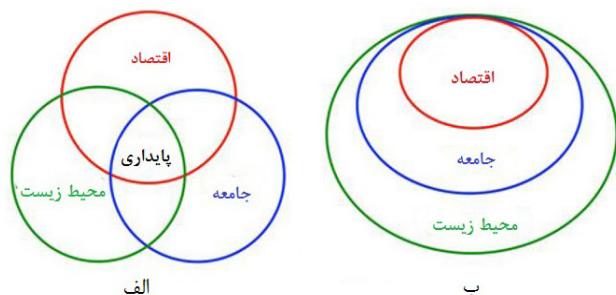
چکیده | یکی از چالش‌های پیش روی توسعه پایدار، دستیابی به الگوهایی برای تعامل پاینده میان محیط‌های انسان‌ساخت و طبیعت پیرامون است. علم پایداری در تلاش است مجموعه‌ای از مفاهیم و دستورالعمل‌ها ارائه نماید که به تعامل بهتر این دو منجر شود. آنچه امروزه به‌عنوان منظر پایدار مطرح می‌گردد، بر سه اصل تأکید دارد: پایداری اکولوژیک، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی. در این دسته‌بندی عموماً جنبه زیبایی‌شناسی در پایداری در نظر گرفته نمی‌شود و یا آنکه به‌عنوان امری فرعی تلقی می‌گردد. با این حال به نظر می‌رسد منظر به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی، برای دستیابی به پایداری به مفاهیمی فراتر از صرفاً اکولوژیک نیاز دارد. چنانچه جنبه زیبایی‌شناختی یک اثر قادر است با تأثیر بر عواطف فردی به آگاهی بخشی در جهت افزایش پایداری محیطی منجر شود. این مقاله در پی آن است که به بررسی نسبت مقوله زیبایی‌شناسی با پایداری و جایگاه آن در رسیدن به منظر پایدار بپردازد. با توجه به آنکه این پژوهش در پی بررسی معیارهایی کیفی و آنالیز و نتیجه‌گیری از آن است، روش تحقیق، تحلیل محتوا گزیده شد. در این جستار ابتدا رویکرد پایداری و تأثیر آن بر ارتباط انسان و طبیعت معرفی می‌گردد سپس به بیان مفاهیم زیبایی‌شناسی و ضرورت تدوین اصول زیبایی‌شناسی پایداری می‌پردازد. در پایان، این نوشتار چهار اصل بنیادین را برای تدوین زیبایی‌شناسی پایدار معرفی می‌نماید و نمونه‌هایی عملی از به کار گرفته شدن آن‌ها در مناظر پایدار به دست می‌دهد.

واژگان کلیدی | پایداری، منظر پایدار، پایداری اکولوژیک، زیبایی‌شناسی، اکولوژی.

مرتضی همتمی
کارشناس ارشد معماری منظر
hemmatiarchitect@yahoo.com

پایداری و توسعه پایدار واژه Sustainable در فارسی با معانی پایا، پایداری، مستمر و آنچه می‌تواند در آینده تداوم داشته باشد، ترجمه شده است که طیف وسیعی از مفاهیم را دربر گرفته است. مفهوم توسعه پایدار، یک نوع تلاش برای ترکیب مفاهیم در حال رشد حوزه‌ای از موضوعات محیطی در کنار موضوعات اجتماعی-اقتصادی است. دیدگاه مدیریت محیطی بر پایه مدیریت منابع طبیعی که تصدیق می‌کند، بشر نیاز به منابع طبیعی دارد و این منابع می‌بایست به‌جای استفاده سریع و بدون برنامه، به‌درستی مدیریت شوند تا حداکثر استفاده از آن‌ها طی سالیان طولانی میسر گردد. کمیسیون جهانی محیط‌زیست، توسعه پایدار را این‌گونه تعریف می‌کند: «توسعه پایدار فرایند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.» (عباسپور، ۱۳۸۶) پایداری را می‌توان نوعی رابطه تعاملی میان انسان و محیط دانست که به‌موجب آن، هم انسان و هم محیط استمرار یابند. برای دست یافتن به توسعه‌ای پایدار، سه مؤلفه اساسی باید در ارتباط با یکدیگر عمل نمایند: جامعه، اقتصاد و محیط‌زیست. پیش‌تر در مدل‌هایی که برای ارتباط این مؤلفه‌ها ارائه می‌شد، این عوامل را به‌صورت جداگانه و هم‌وزن دیده می‌شدند. امروزه با اهمیت یافتن مباحث محیط زیستی، نقش این عامل در رسیدن به توسعه‌ای پایدار دوچندان شده است (Wu, 2013)؛ (شکل ۲).

فقدان ادبیات زیبایی‌شناسی در پایداری همان‌طور که آورده شد آنچه امروزه به‌عنوان اصول توسعه پایدار از آن یاد می‌شود بر سه اصل توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفظ یگانگی اکولوژیکی بنا شده است. تجربه نشان داده است

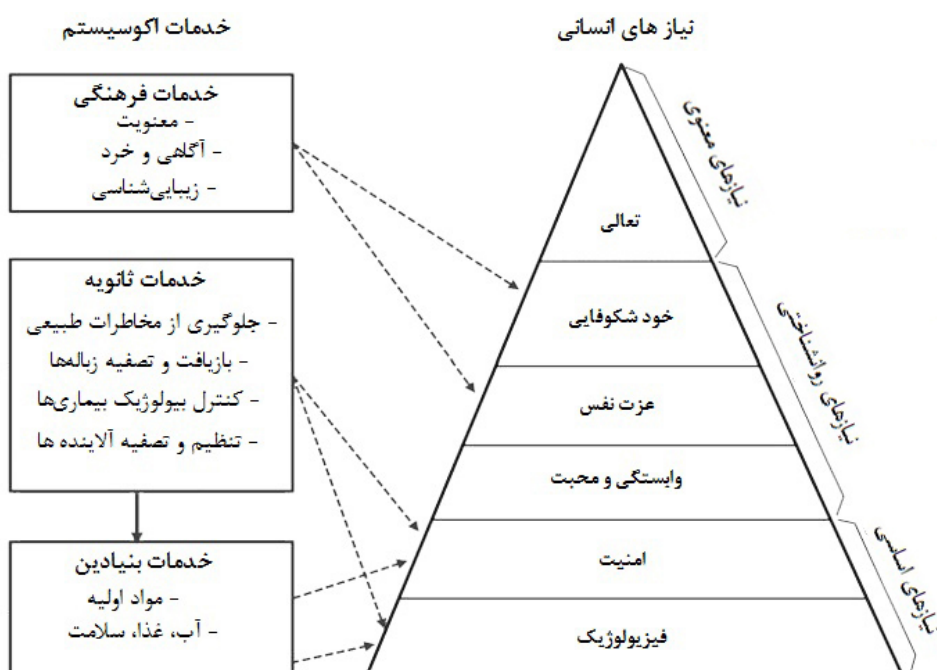


شکل ۲: دو الگوی ارائه‌شده برای ارتباط مؤلفه‌های توسعه پایدار، در الگوی سمت چپ (پیشین) سهم هر سه مؤلفه یکسان دیده شده است و در الگوی سمت راست (جدید) محیط‌زیست در بردارنده جامعه و اقتصاد است. مأخذ: (Wu, 2013).

مقدمه | توسعه پایدار یک پارادایم مهم در فهم رابطه انسان و طبیعت و انسان‌ها با یکدیگر است. این مسئله با دیدگاه دو قرن گذشته انسان که بر پایه جدایی موضوعات محیطی و اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته بود، در تضاد است. در دو قرن گذشته، این تصور حاکم بود که محیط یک عامل خارجی است و به‌عنوان بستری برای استفاده و استثمار انسان در نظر گرفته می‌شد. این نگرش تحت تأثیر پیشرفت شگرف تکنولوژی در قرن اخیر به سيطرة انسان بر طبیعت انجامید و موجب برهم خوردن نظام‌های زیستی در مناطق تحت اثر وی شد. به‌مرور زمان با بروز عواقب دخالت‌های بشر در اکوسیستم‌ها، علم جدیدی تحت عنوان پایداری شکل گرفت که اساس آن بر پایه اصلاح رابطه انسان و محیط است (شکل ۱). با ورود مفاهیم پایداری به حوزه منظر و شهرسازی، واژگان جدیدی چون منظر پایدار و شهر پایدار به وجود آمد که به دنبال ارائه الگوهایی‌اند که موجب استمرار انسان و طبیعت در کنار یکدیگر - و نه در مقابل یکدیگر - شود. با بررسی تجربیات دو دهه گذشته در حوزه منظر و شهرسازی می‌توان دریافت که غالب آنچه به‌عنوان مباحث منظر پایدار ارائه می‌گردد، تأکید بر جنبه اکولوژیک پایداری دارد و در آن جنبه‌های زیبایی‌شناسانه جایی ندارد. این در صورتی است که منظر به‌عنوان پدیده‌ای فرهنگی، همواره تحت تأثیر ادراک زیبایی‌شناسانه مخاطب قرار دارد و نمی‌توان آن را جدا از جنبه‌های اکولوژیک در نظر گرفت. از این رو، به نظر می‌رسد برای دستیابی به منظری پایدار باید علاوه بر اصول اکولوژیک، الگوهایی برای تأمین نیازهای زیبایی‌شناسانه منظر نیز ضروری است.



شکل ۱: پایداری نوعی رابطه تعاملی میان انسان و طبیعت است. مأخذ: نگارنده.



شکل ۳: وو با مقایسه متناظر نیازهای انسانی (هرم مازلو) و خدماتی که اکوسیستم در هر سطح ارائه می‌دهد، بیان می‌دارد زیبایی‌شناسی در سطحی بالاتر نیازهای اساسی قرار می‌گیرد. مأخذ: (Wu, 2013).

اطراف و درون خود شخص است.

یکی از نخستین پرسش‌ها در زیبایی‌شناسی آن است که چرا زیبا، زیبا می‌نماید؟ یا به عبارت دیگر، هنر و اثر هنری چیست؟ آیا زیبایی امری وابسته به فرم و شکل است یا به ادراکات و کنش‌های احساسی مشخصی مربوط است؟ تا پیش از قرن نوزدهم بیشتر تئوری‌های زیباشناختی حول نگرش افلاطونی است. چنانچه در نظریات افلاطون آمده است زیبایی نوعی هماهنگی اجزا با کل است که می‌توان آن را به دو نوع زیبایی طبیعت و زیبایی هندسی تقسیم کرد (هالینگ دیل، ۱۳۹۳). آنچه از نگرش افلاطونی به مقوله زیبایی برمی‌آید زیبایی مقوله‌ای بیرونی است. از قرن نوزدهم به بعد، با توسعه علم روانشناسی، مفاهیم زیبایی‌شناسی متحول شد و زیبایی در ارتباط با ادراک فرد دیده شد. از آنجایی که عوامل روانی و اجتماعی بر ادراکات انسان اثرات مهمی بر جای می‌گذارند، در احساس او از زیبایی نیز مؤثرند. چنانچه امروزه بسیاری معتقدند امر زیبا تماماً بصری و ظاهری نیست بلکه زیبایی ترکیبی از کیفیات است که در اثرگذاری بر عواطف، احساسات یا هوش انسانی احساس لذت و خوشایندی را ایجاد می‌نماید (Daniel, 2001). «اسکری»^۲ معتقد است هنگامی که ما چیزی را زیبا حس می‌کنیم رابطه‌مان را با آن چیز شخص یا صحنه تغییر می‌دهیم. «هنگامی که چیزی را زیبا فرض می‌کنیم وارد پروسه‌ای رادیکال می‌شویم که تصوراتمان را رها می‌نماییم و تحولی در احساساتمان و ادراک روانی ناگهانی‌مان رخ می‌دهد و در نهایت در رابطه‌ای متفاوت از گذشته با دنیایی بیرونی قرار می‌گیریم» (Meyer, 2008).

که در طرح‌هایی که تحت عنوان معماری یا شهر پایدار توسط معماران و شهرسازان ارائه می‌گردد بیشتر بر جنبه‌های اکولوژیک پایداری تمرکز می‌شود و موضوع زیبایی‌شناسی در آن‌ها سهم اندکی به خود می‌گیرد. در این طرح‌ها عموماً اگر سخنی نیز از جنبه‌های زیبایی‌شناسی آورده شود به عنوان رویه‌ای سطحی و ظاهری به آن نگریده می‌شود. چنانچه گاهی زیباشناسی در برابر مخاطرات زیست‌محیطی که محدوده انسانی را تهدید می‌نماید به امری دست‌چند تبدیل می‌گردد. «وو»^۱ اعتقاد دارد این موضوع بر اساس اولویت‌گذاری‌های نیازهای انسانی که تحت عنوان هرم مازلو مطرح می‌گردد قابل توجه است (Wu, 2013). او با مقایسه خدماتی که اکوسیستم به هر یک از نیازهای انسانی ارائه می‌دهد، طبقه‌بندی صورت داده است که در آن زیبایی‌شناسی در سطحی بالاتر از نیازهای اساسی چون نیاز به تأمین امنیت و نیازهای فیزیولوژیک قرار می‌گیرد (شکل ۳).

زیبایی‌شناسی

زیبایی‌شناسی یکی از رشته‌های فلسفه است که به عنوان نظریه تأمل در داوری‌های زیبایی‌شناختی و چپستی زیبایی و نسبت آن با ادراک آن تعریف می‌شود (هالینگ دیل، ۱۳۹۳). تجربه زیباشناختی تجربه‌ای خوشایند و مطلوب است که به زندگی ارزش و معنا می‌بخشد. این تجربه مبتنی بر تعمقی نشأت گرفته از درون موجود زنده است که سبب می‌شود او محیطش را بهتر درک کند؛ تجربه‌ای که در بین همه مردم و در هر زمانی مستلزم تمرکز بر برخی از جنبه‌های محیط



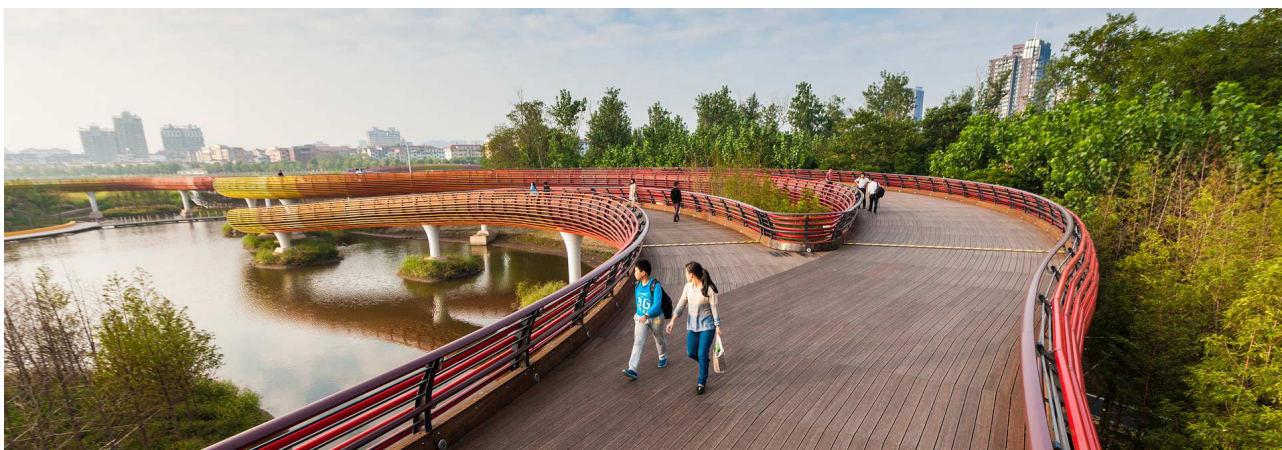
تصویر ۱: کانال انتقال پساب که بر رودخانه امشر قرار داشت به کانالی در جهت چرخه آبی اکوسیستم بدل شد. مأخذ (پایین و بالا به ترتیب): <http://cgconcept.be/wp-content/uploads/sites/10/2016/09/03-Overall-Concept-Steinhallenplatz.jpg>; https://www.flickr.com/photos/cldr_sf/3821520000/in/album-72157621915134653/.

زیبایی‌شناسی پایداری

پیش‌تر در تعریف وجوه نظری زیباشناسی مواردی چون تعادل، هویت، معنا، حس مکان، هماهنگی، کشش و وحدت بیان می‌شد که ترجمه آن در منظر به صورت رمزگرایی، مرکزگرایی، سلسله‌مراتب، تقارن، تداوم، تنوع و انعطاف‌پذیری است (دانش‌پور و پریور، ۱۳۹۲). همان‌طور که آورده شد، جنبه‌های زیبایی‌شناسی فراتر از خصوصیات صرفاً ظاهری و بصری، سبکی و تزئینی است بلکه موضوعی مرتبط با ادراک و تجربیات چندلایه انسان از محیط است. بنابراین تعریف الگوهای زیبایی‌شناسی باید در راستای بستر و مخاطب آن تعریف گردد. در این حالت ارزش‌های زیبایی‌شناسی و اکولوژی یکی می‌گردند و معیارهای آن‌ها از

مروری بر زیباشناسی در منظر

با مروری بر پیشینه سکونت بشر درمی‌یابیم از ابتدای یکجانشینی و هنگامی که مجبور به گزینش سکونتگاهی برای خود شد، با زیبایی سر و کار پیدا کرد. این روند در طول تاریخ ادامه پیدا کرد و بشر در دوره‌های مختلف با نگرش زیبایی‌شناسانه متفاوت دست به تعامل با طبیعت پیرامون خود زد که حاصل آن پدید آمدن اشکال متنوع منظر شده است. زیبایی‌شناسی منظر تا پیش از دوره مدرن، مبتنی بر کهن‌الگوهایی بود که نسل به نسل منتقل می‌شد و نطفه‌های اصلی و لایه‌های نخستین زیبایی‌شناسی بشر را شکل می‌دادند. بر اساس همین کهن‌الگوها در دوره‌ای در مقابل طبیعت و در دوره‌ای در راستای آن قرار گرفته است. مدرنیته با به ارمغان آوردن فضای باز آزاداندیشی و انسان‌مداری، بحث زیبایی‌شناسی را از دنیای سنت که نگاهی کل‌نگر، رمزگونه و مقدس به زیبایی داشت، وارد مرحله جدیدی کرد که حاصل آن شکل گرفتن تزاها و آنتی‌تزاها بی‌شمار در قرن اخیر است. در فلسفه مدرن، اساس بر نگاه مخاطب است. چنانچه «مارتین هایدگر»^۳ بیان می‌دارد که جهانی که ما می‌بینیم حاصل پروسه ادراک ما از جهان بیرونی است که اساساً از آن مستقل است. به عبارتی ما جهان بی‌کران بیرونی را در این پروسه، به ساحت زمان‌مند و قابل درک بدل می‌نماییم (احمدی، ۱۳۸۹). این نگرش در برهه‌ای به نفی زیبایی‌تزیینی انجامید چنانچه «آدولف لوس»^۴ و «لوکوربوزیه»^۵ لب به انتقاد تند از آن گشودند و پس از آن زیبایی‌شناسی مدرن نگرش کل‌گرا و چند مفهومی‌اش را از دست داد و به قید کالبد کشیده شد. در ادامه، برای جبران و فرونشاندن عطش طبیعت دوستی انسان ماشینی، گرایش‌های متفاوتی به وجود آمد که به محیط و فضای زندگی ماورای کالبد توجه می‌کرد، یکی از این گرایش‌ها معماری منظر بود. «فردریک المستد»^۶ در این راستا دست به خلق فضاهای ارگانیک و طبیعت‌گرایانه ملهم از باغ‌های انگلیسی می‌زد. سنترال پارک طراحی‌شده بود که نیاز انسان گریزان از ماشین و پناه جستن به دل طبیعت در درون محدوده شهر برآورده کند (پرتار، ۱۳۹۰). این عطش برای گریز از زندگی شهری نگرشی غالب را پدید آورد که حاصل آن زیبایی‌شناسی است که به بازنمایی طبیعت در محیط مصنوع می‌پردازد. در چند دهه اخیر، با گسترش مباحث پایداری به جنبه‌های اکولوژیک این نگرش شدت گرفت و موجب شکل‌گیری منظره‌پردازی‌هایی با رویکرد پایداری شد. از آنجا که اولویت‌های این منظره‌پردازی جنبه‌های اکولوژیک آن است، ارائه الگوهای زیبایی‌شناسی برای آن امری سطحی تلقی می‌شود.



تصویر ۲: پلی که دو سمت رودخانه را به هم متصل نموده است، با الهام از افسانه‌های محلی شکلی شبیه اژدهایان فستیوال‌های سال نو چینی به خود گرفته است که برای مردم آن ناحیه تداعی‌کننده مفاهیم ذهنی خاص است. مأخذ: <http://www.landezine.com/wp-content/uploads/2015/03/yanweizhou-terrace.jpg>

یکدیگر قابل تفکیک نخواهد بود.

شکلی و بصری‌اند. نخستین بار «الیزابت میر»^{۱۰} در مقاله‌ای تحت عنوان «زیبایی‌شناسی پایدار: کاربرد زیبایی» مانیفستی از لزوم تبیین معیارهای جدیدی از زیبایی‌شناسی که به پایداری منجر می‌گردد، سخن گفته و در آن ده اصل ابتدایی را برای رسیدن به آن بیان داشته است. پس از او «تری دنیل»^{۱۱} با اصلاح طبقه‌بندی صورت گرفته توسط وی، اصول زیبایی‌شناسی اکولوژیک را در سه حکم کلی دسته‌بندی نموده است: چرخه زیستی نمایان، زمین-فضا تغییرپذیر و بستر زیستی-اجتماعی. در دسته‌بندی صورت گرفته توسط دنیل، به نظر می‌رسد اصول بیش‌ازاندازه کلی شده‌اند و از اقدامات عملی فاصله گرفته‌اند. بنابراین بر اساس معیارهای ارائه‌شده توسط میر و دنیل، در این نوشتار تلاش شد چهار اصل راهبردی برای دستیابی به زیبایی‌شناسی پایدار معرفی شود که از سویی جامعیت نخستین را ارائه نماید و از طرفی بتواند به‌صورت اقدامات عملی در پروژه‌ها به کار گرفته شود. چنانچه در هر مورد نمونه‌ای عملی از به‌کارگیری این راهبردها ارائه شده است.

پروژه طبیعی به‌جای فرم طبیعی

بازنمایی اکولوژیک یکی از روش‌های مرسوم در منظر پایدار است که در آن تلاش می‌شود فرم طبیعت بکر در سایت بازسازی شود. باین‌حال مناظر را به‌صرف داشتن شکل و تصویری طبیعی، نمی‌توان پایدار نامید. چنانچه بسیاری از مناظری که شکل طبیعی دارند اصولاً اکولوژیک نیستند و هنگامی که از توجه به آن‌ها کاسته می‌شود از بین می‌روند و به فضاهای متروک و فراموش‌شده شهری بدل می‌گردند. از این‌رو به نظر می‌رسد باید در زیبایی‌شناسی که در جهت بازسازی طبیعت محیط پیرامون به کار گرفته می‌شود

«هوت»^{۱۲} معتقد است که هر اثر منظر در هر مقیاسی که باشد باید نمایانگر کنش‌ها و نظام درونی خویش باشد و الگوهای زیبایی‌شناسی آن-از خاک و زمین آب‌وهوا و آب‌شناسی و کاشت گرفته تا ارتباطات انسانی-از درون این کنش‌ها شکل بگیرد. در این حالت که فرم و شکل نهایی که نمایشگر نیروهای درونی سایت است، زیبایی درونی منحصر خود را عرضه می‌نماید. این زیبایی برخلاف آنچه تزئینی و تصنعی به سایت اضافه می‌گردد، دارای حرکت و تغییر است و به‌جای عناصر ثابت و سخت بر خصوصیات دینامیک و پویای طبیعت تأکید دارد و ادراک آن نیز به‌صورت کلی و همه‌جانبه صورت می‌گیرد (Howett, 1987). «اسپرن»^{۱۳} در توصیف زیبایی‌شناسی پایدار بیان می‌کند: «مجموعه الگوهای است که به بازتولید کنش‌های طبیعی سایت می‌انجامد و در آن این تغییرات و کنش‌ها مشهود است. از طرفی لحظه تحول را به نمایش می‌گذارد و از طرفی نمایانگر تداوم و استمرار است» (Spirn, 1988). به عبارتی آنچه به‌عنوان زیبایی‌شناسی مطرح می‌گردد، چیزی فراتر از تصویری خوش‌منظره و فرح‌بخش است و تجربه‌ای حسی از فیزیک مکان است که منجر به آگاهی و شناخت از ریتم‌ها و چرخه‌های حیاتی یک زیست‌بوم می‌شود.

این نگرش به پایداری در تلاش است از تجربیات حسی زیباشناسانه به‌عنوان ابزاری در جهت طراحی پایدار بهره‌گیرد. این رویکرد پیش‌تر نیز وجود داشته است اما عموماً پتانسیل‌های آن به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار در امر پایداری به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته بود. به‌طور مثال در دسته‌بندی مفهومی «بل»^{۱۴} معیارهایی چون تعادل، محصوریت، تنوع و... به‌عنوان اصول زیبایی‌شناسی معرفی و در سه دسته ساختاری، الگوهای فضایی و هدف بصری ارائه شده است (دانش‌پور و پریور، ۱۳۹۲)، که معیارهایی عموماً

باشد، همچنین با عملکردهای فضایی‌اش باید جایی برای بروز رویدادهای اجتماعی - چون مراسم و فستیوال‌ها - فراهم آورد.

پارک «یانویژو»^{۱۵} در شینه‌وای^{۱۶} چین که در سال ۲۰۱۴ میلادی از آن رونمایی شد، از نمونه‌های بارز نگاه فرا-اکولوژیکی به پروژه است. این پارک توسط «استودیو تورنسکیپ»^{۱۷} با آن هدف طراحی شد که اکولوژی رودخانه ووژیانگ که توسط ساختارهای شهری مختل شده بود را بازسازی نماید و در عین حال بتواند روشی برای همزیستی با طغیان‌های رودخانه ارائه نماید. چنانچه پیش از طراحی این پارک، دیواری طویل میان رودخانه و شهر ایجاد شده بود تا شهر را از طغیان‌های فصلی رودخانه در امان دارد. طراحان پروژه با محاسبه جریان‌های آبی به الگویی برای طراحی پارک در سطوح مختلف دست یافتند که آن را در برابر مخاطرات آبی ایمن می‌دارد. با این حال معمار پروژه از حل ملزومات اکولوژیک پروژه فراتر رفته و از اهداف فرهنگی و اجتماعی پروژه سخن می‌گوید: «این رودخانه زندگی، فرهنگ و زیبایی‌شناسی مردم این ناحیه را شکل داده است. این رودخانه زیرساختی اجتماعی است که از طریق بازسازی اکولوژیک احیا شده است» (Tharp, 2014). این نگرش فرا-اکولوژیکی است که در زیبایی‌شناسی مؤلفه‌های طراحی پارک نیز به کار گرفته شده است و آن را به یکی از مهم‌ترین فضاهای جمعی شهر شینه‌وای تبدیل کرده است. به‌طور مثال پلی که دو سمت رودخانه را به هم متصل نموده است، با الهام از افسانه‌های محلی شکلی شبیه اژدهایان فستیوال‌های سال نو چینی به خود گرفته است که برای مردم آن ناحیه تداعی‌کننده مفاهیم ذهنی خاص است (تصویر ۲).

دینامیک به‌جای استاتیک

معماری و منظر خصوصیات مشترک فراوانی با یکدیگر دارند که بارزترین آن، اشتراک آن‌ها در خلق فضا است. با این حال در شکل فضاسازی با یکدیگر تفاوتی بنیادین دارند که آن میزان تبعیت از زمان است. خصوصیت ویژه منظر وابستگی به زمان و موقتی بودن آن است که باید در الگویی که برای زیبایی‌شناسی آن تدوین می‌گردد مورد توجه قرار گیرد (Meyer, 2008). متغیرها در منظر، چندانکه، با ضرباهنگ‌های متفاوت و مقیاس‌های گوناگون‌اند که با یکدیگر همپوشانی دارند و کلیتی یکپارچه اما پویا به وجود می‌آورند. به عبارتی نه‌تنها ما در منظر حرکت

بازنگری صورت گیرد و در آن بازسازی پروسه طبیعی به‌جای بازنمایی فرم طبیعی در دستور کار قرار گیرد.

یکی از نمونه‌های قابل توجه در به‌کارگیری پروسه طبیعی به‌جای بازنمایی فرم طبیعی، پروژه پارک «دویسبرگ-نورد»^{۱۲} است که در سال ۱۹۹۱ میلادی، توسط «پیتر لاتز»^{۱۳} در شهر دویسبرگ آلمان طراحی شده است. پیتر لاتز در فضایی صنعتی که به دلیل آلودگی‌های ناشی از ضایعات کارخانه تولید زغال‌سنگ و استیل نزدیک به یک دهه متروک شده بود، با تبیین پروسه‌هایی اکولوژیک موفق به بازطراحی اکوسیستمی نو در محیط شد که شباهتی به طبیعت بکر پیشین آن ندارد. آنچه در این پروژه قابل تأمل است آن است که عملکردهای اکولوژیک پروژه در راستای نگاه زیبایی‌شناسی جدیدی قرار گرفته است که هم‌زمان سعی در حفظ لایه‌های معنایی بستر پروژه دارد، به‌طوری که در آن ارزش‌های اکولوژیک و زیباشناسانه از هم قابل تفکیک نیستند. به‌طور مثال کانال آلوده‌ای که پیش‌تر برای دفع ضایعات و پساب‌های صنعتی به کار برده می‌شد و به باور مورخین منطبق بر محل پیشین رود کهن «امشر»^{۱۴} قرار گرفته بود، با ایجاد تغییراتی به کانالی در جهت بازسازی چرخه پیشین طبیعی و تصفیه آلودگی‌های سایت بدل شد (تصویر ۱). طراحان پروژه با درک چرخه اکولوژیک رودخانه و با حفظ ویژگی‌های فرمی کانال، موفق به بازتولید جریان رودخانه کهن به شیوه‌ای متفاوت شدند به‌طوری که در طول سال سطح و جریان آب کانال مطابق اکوسیستم محیط تغییر می‌کند و به مخاطبان فرصت ادراک زیبایی‌شناسی جدیدی از تعامل انسان و طبیعت را می‌دهد.

عملکردهای فرا-اکولوژیکی

توسعه پایدار چیزی بیش از پایداری منابع زیستی است. اصولاً طراحی یک امر فرهنگی است و محصول دخالت ذهن در طبیعت است که به شکل‌گیری فضاها و کاربری‌ها منجر می‌شود. اگرچه پیروی از اصول اکولوژیک ضروری است اما برای دستیابی به منظری پایدار، باید قابلیت‌های اجتماعی را نیز به کار گرفته شود. از این رو باید ترجمانی از ارزش‌های فرهنگی جامعه در قالب فرم‌ها و فضاها طراحی شده باشد که ادراک ما را از زیبایی به چالش می‌کشد و بسط می‌دهد. منظر پایدار علاوه بر آنکه باید نمایانگر چرخه‌ها و کنش‌های معمول طبیعت - چون سیل‌های فصلی و بادهای موسمی -

بر اساس تغییرات محیطی طراحی شده‌اند و به‌جای تلاش برای غلبه بر نیروهای طبیعت، با آن‌ها سازگار می‌شوند. آنچه در این پروژه قابل توجه است آن است که در آن تغییر نگرشی نسبت به تعامل شهر و طبیعت رخ داده است و پدیده سیلاب که پیش‌تر به‌عنوان یک تهدید برای محیط انسانی تلقی می‌شد، در این طرح به فرصتی برای استفاده از تنوع‌های منظرین بدل شده است. رهایی طرح کاشت گیاهان، انتخاب گیاهان بومی، استقبال از رویش گیاهان خودرو و طراحی مسیرهای حرکتی قابل‌انعطاف از جمله اقداماتی است که طراح در راستای سازگار شدن و استقبال از تغییرات محیطی انجام داده است (Stoss Landscape Urbanism, n.d.)؛ (تصویر ۳).

افزایش تجربیات حسی

فعالیت‌هایی که بتواند حواس و عواطف مخاطب را برانگیزند به اندازه فرم‌های طراحی شده اهمیت دارند. تجربیات حسی فاصله میان فرد و محیط پیرامون را کاهش می‌دهد و هوشیاری‌اش را به چالش می‌کشد و او را وادار به واکنش می‌نماید. این‌گونه تجربه‌ها قادرند داده‌های حسی فراوانی به ذهن مخاطب منتقل سازند که در شکل‌گیری ذهنیت فرد نسبت به محیط بیرونی و متعاقب آن داوری زیبایی‌شناختی وی اثرگذار باشد.

در سال ۲۰۰۹ میلادی در شهر دالاس آمریکا مسابقه‌ای با هدف ایجاد فضای شهری پایدار برگزار شد که طی آن طرح گروه «دیوید بیکر»^{۲۰} و «استودیو فلچر»^{۲۱} برگزیده شد. این طرح مبتنی بر اشتراک مردم در ایجاد فضای سبز شهر و درعین‌حال مدیریت و بهره‌برداری از آن است (تصویر ۴). این فعالیت علاوه بر آنکه به‌طور مستقیم در راستای پایداری اکولوژیک صورت می‌گرفت، با ایجاد تجربه حسی تماسی بی‌واسطه میان فرد و طبیعت شکل می‌داد که عواطف او را برمی‌انگیخت (David Baker Architects, n.d.). در مطالعاتی که صورت گرفت نشان داده‌شده که فعالیت‌های فیزیکی موجب افزایش کنش‌های حسی در افراد می‌گردد و هوشیاری آن‌ها را نسبت به محیط پیرامون افزایش می‌دهد. از طرفی این نوع تجربه‌های حسی اکولوژیک می‌تواند با ایجاد حس تعلق نسبت به طبیعت پیرامون، در آموزش و انتقال ارزش‌های محیط زیستی به افراد جامعه نیز مؤثر واقع شود.



تصویر ۳: پارک ساحلی بس؛ رهایی طرح کاشت گیاهان، انتخاب گیاهان بومی، استقبال از رویش گیاهان خودرو و طراحی مسیرهای حرکتی قابل‌انعطاف از جمله اقداماتی است که طراح در راستای سازگار شدن و استقبال از تغییرات محیطی انجام داده است. مأخذ:

<http://www.stoss.net/projects/9/bass-river-park>.

می‌کنیم بلکه منظر نیز حرکت می‌کند، تغییر می‌کند و رشد می‌کند و از این‌رو زیبایی آن نیز امری در حال حرکت و متحول است.

پارک ساحلی «بس»^{۱۸} که در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط گروه «استوس»^{۱۹} طراحی شد از مثال‌های قابل توجه در استفاده از دینامیک‌های منظر است. در طراحی این سایت ساحلی که پیش‌تر به دلیل طغیان‌های آبی بلااستفاده شده بود، از طراح خواسته شد تا راهبردهایی ارائه دهد که بتواند پاسخگوی تغییرات شدید محیطی این منطقه باشد. گروه استوس با طبقه‌بندی تغییرات محیطی به دو گروه بلندمدت و کوتاه‌مدت، بر اساس آن هفت الگوی محیطی (مرطوب، خشک، بادی و...) برای منظر پروژه ارائه نمود. در این الگوها کاربری‌ها و عملکردهای معمول



تصویر ۴: پروژه زرو (OFEX) مبتنی بر اشتراک مردم در ایجاد فضای سبز شهر و درعین حال مدیریت و بهره‌برداری از آن است. مأخذ: http://www.dbarchitect.com/images/dynamic/article_slideshow_images/image//production_consumption_flat_sm.jpg.

عدم شناخت صحیح پتانسیل‌های زیبایی‌شناسی منظر پایدار می‌تواند موجب غفلت از بخش مهمی از فرهنگی منظر و متعاقب آن از دست دادن بخشی از مخاطبان آن گردد. بنابراین، گویی که بتواند به تعریف وجوه زیبایی‌شناسی پایدار و تأثیر آن بر پایداری بپردازد ضروری می‌نماید. در این نوشتار چهار اصل کلی برای تدوین وجوه زیبایی‌شناسی منظر پایدار ارائه شده است که در صورتی که به‌عنوان الگوهای راهبردی به کار گرفته شود، می‌تواند موجب پایدارتر شدن مناظر طراحی شده گردد.

نتیجه‌گیری | در سال‌های اخیر علم پایداری به‌عنوان نگرشی در جهت اصلاح رابطه تعاملی انسان و طبیعت مطرح شده است. این علم که بر سه اصل پایداری اکولوژیک، پایداری اجتماعی و پایداری اقتصادی استوار است، الگوهایی برای منظر و شهرسازی ارائه می‌نماید که تحت عناوینی چون منظر پایدار یا شهر پایدار معرفی می‌گردند. با مرور آثار دو دهه گذشته می‌توان دریافت که فقدان تدوین اصول زیبایی‌شناسی در مباحث منظر پایدار، آن‌ها را به سمت مناظری با کاربرد صرفاً اکولوژیک بدل نموده است. چنانچه

پی‌نوشت

- | | | | |
|----------------------|---------------------|--------------------------|---------------------|
| City Jinhua .۱۶ | Daniel .C Terry .۱۱ | Olmsted Law Frederick .۶ | Wu Jianguo .۱ |
| Studio Turescape .۱۷ | Nord Duisburg .۱۲ | Howett Catherine .۷ | Scarry Elaine .۲ |
| Park River Bass .۱۸ | Latz Peter .۱۳ | Spirn .W Anne .۸ | Heidegger Martin .۳ |
| STOSS .۱۹ | Emscher .۱۴ | Bell Simon .۹ | Loos Adolf .۴ |
| Baker David .۲۰ | Yanweizhou .۱۵ | Meyer .K Elizabeth .۱۰ | Corbusier Le .۵ |

فهرست منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۸۹). از نشانه‌های تصویری تا متن، به‌سوی نشانه‌شناسی ارتباطی دیداری. تهران: نشر مرکز.
- پرتار، مهدی. (۱۳۹۰). زیبایی متروکه‌ها: تحلیل زیبایی‌شناسانه پارک دویسبورگ-نورد. مجله منظر، ۳(۱۶): ۳۴-۴۱.
- عباسپور، مجید. (۱۳۸۶). انرژی، محیط‌زیست و توسعه پایدار. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی شریف.
- هالینگ دیل، رچینالد. (۱۳۹۳). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: انتشارات ققنوس.
- Howett, C. (1987). Systems, signs, sensibilities: sources for new landscape aesthetics, *Landscape Journal*, 6(1): 1-12.
- Meyer, E. (2008). Sustaining beauty: the performance of appearance. A manifesto in three parts, *Journal of Landscape Architecture*, 3(1): 6-23.
- Spirn, A. (1988). The poetics of city and nature: towards a new aesthetic for urban design, *Landscape Journal*, 7(2): 108-126.
- Wu, J. (2013). Landscape sustainability science: ecosystem services and human well-being in changing landscapes, *Landscape Ecology*, 28(6): 999-1023.
- Tharp, E. (2014). An exclusive review of Yanweizhou Park by Turescape. In *Landscape Architects Network*. Available from: <http://landarchs.com/stunning-yanweizhou-park-recaptures-lost-ecology> (Accessed 20 August 2016).
- Stoss Landscape Urbanism. (n.d.). *Bass River Park*. Available from: <http://www.stoss.net/projects/9/bass-river-park> (Accessed 20 August 2016).
- David Baker Architects. (n.d.). *XERO Project*. Available from: http://www.dbarchitect.com/project_detail/151/XERO%20Project.html (Accessed 20 August 2016).